



The University of Tehran Press

The Semantics of Good Governance Principles in the Constitution of the Islamic Republic of Iran

Hadi Tahannazif¹ | Sajad Khalilinezhad²

1. Associate Prof, Department of Public and International Law, Faculty of Islamic Science and Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. Email: tahan@isu.ac.ir
2. Ph.D. Student in Public Law, Faculty of Islamic Studies and Law, Imam Sadegh University, Tehran, Iran. Email: sakhne@gmail.com

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <p>Pages: 177-206</p> <p>Received: 2022/06/19</p> <p>Received in Revised form: 2022/10/22</p> <p>Accepted: 2023/03/22</p> <p>Published online: 2025/03/21</p> <p>Keywords: <i>guarantee of the rights of the nation, regulation of government power, good governance, semantics, constitution.</i></p>	<p>Good governance is an approach aimed at improving the performance of political and governmental institutions, which has seen significant global expansion over the past four decades. One of the most recognized indicators of good governance is the eight indicators of the United Nations Development Programme. Law is not far removed from the realm of governance, and there is a close relationship between law and governance. Law legitimizes and frames governance. The constitution, which sits at the top of the hierarchy of legal rules, serves as the charter of governance for states. The present research seeks to answer the question: what are the implications of the principles of good governance in the Constitution of the Islamic Republic of Iran? To address this question, a qualitative research method focused on semantics in the humanities has been employed. According to the implications derived from this research, the principles of good governance have various formal implications in the constitution, but in terms of content, different meanings of the commonly understood principles of good governance can be interpreted within the constitution.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Tahannazif, Hadi; Khalilinezhad, Sajad (2025). The Semantics of Good Governance Principles in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. <i>Public Law Studies Quarterly</i>, 55 (1), 177-206. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2023.344596.3110</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/jplsqt.2023.344596.3110</p>
<p>Publisher</p>	<p>The University of Tehran Press.</p>





دلالت پژوهی اصول حکمرانی خوب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

هادی طحان نظیف^۱ | سجاد خلیلی نژاد^۲

۱. دانشیار، گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

رایانامه: tahan@isu.ac.ir

۲. نویسنده مسئول؛ دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

رایانامه: sakhne@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی صفحات: ۱۷۷-۲۰۶ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۷/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱ کلیدواژه‌ها: تضمین حقوق ملت، تنظیم قدرت دولت، حکمرانی خوب، دلالت پژوهی، قانون اساسی.	حکمرانی خوب رویکردی است برای بهبود بخشیدن به عملکرد نهادهای سیاسی و دولتی که در چهار دهه اخیر گسترش چشمگیری در سطح جهانی یافته است. یکی از شناخته شده ترین شاخص های حکمرانی خوب، شاخص های هشگانه برنامه توسعه سازمان ملل متحد است. حقوق نیز از عرصه حکمرانی دور نیست و ارتباط نزدیکی بین حقوق و عرصه حکمرانی وجود دارد. حقوق، حکمرانی را مشروع و چارچوب بندی می کند. قانون اساسی که در رأس سلسله مراتب قواعد حقوقی قرار دارد، منشور حکمرانی دولت هاست. پژوهش پیش رو در پی پاسخگویی به این پرسش است که دلالت های اصول حکمرانی خوب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ برای پاسخ به این پرسش از روش تحقیق کیفی دلالت پژوهی در علوم انسانی استفاده شده است. مطابق با دلالت های به دست آمده در این پژوهش، اصول حکمرانی خوب از نظر شکلی دلالت های گوناگونی در قانون اساسی دارد، اما از نظر محتوایی می توان معانی متفاوتی از معانی رایج اصول حکمرانی خوب، در قانون اساسی فهم کرد.
استناد	طحان نظیف، هادی؛ خلیلی نژاد، سجاد (۱۴۰۴). دلالت پژوهی اصول حکمرانی خوب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۵ (۱)، ۱۷۷-۲۰۶.
DOI	DOI: https://doi.com/10.22059/jplsq.2023.344596.3110 10.22059/jplsq.2023.344596.3110
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

الگوواره^۱ حکمرانی، ادبیات جدیدی است که به تحول دیدگاه رشته‌های مختلف علوم اجتماعی از جمله حقوق، منجر شده است. امروزه سخن از حکمرانی در عرصه‌های مختلف علوم اجتماعی مورد استقبال قرار گرفته است و علوم انسانی به کمک حکمرانی آمده است تا هریک از بعدی، حکمرانی مطلوب را محقق کنند. در این میان نظریات بسیار متفاوتی در عرصه حکمرانی در سطوح مختلف، ارائه شده است. در یک دسته‌بندی کلی با توجه به موضوع عمل حکمرانی می‌توان رویکردهای حکمرانی را در سه دسته کلی حکمرانی در عرصه بین‌المللی، حکمرانی در عرصه حکومت ملی و حکمرانی در عرصه اتباع حاکمیت ملی تقسیم‌بندی کرد. هنگامی که در عرصه حکومت ملی، بحث از حکمرانی به میان می‌آید، مهم‌ترین بازیگر، دولت است و اساساً حکمرانی در سطح ملی در پی تنظیم و شکل‌دهی یک روش و شیوه برای اعمال حاکمیت دولت است. حکمرانی در هریک از سه سطح، راهکارهایی را برای افزایش نقش ذی‌نفعان در تصمیمات و افزایش کارایی و کارآمدی فرایند تصمیم‌گیری و اجرا، پیگیری و ارائه می‌کند.

یکی از برجسته‌ترین نظریات حکمرانی، نظریه حکمرانی خوب^۲ است که امروزه به نظریه‌ای جهانی تبدیل شده و مورد پذیرش بسیاری از کشورها و مجامع علمی و بین‌المللی قرار گرفته است. سازمان‌های بین‌المللی در ایجاد و ترویج نظریه حکمرانی خوب نقش بسزایی داشتند. در حال حاضر بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی برای ارزیابی عملکرد دولت‌ها از نظریه حکمرانی خوب استفاده می‌کنند. البته قرائت‌های متفاوت و زیادی از نظریه یا رویکرد حکمرانی خوب ایجاد شده است که هر کدام به مؤلفه‌های خاصی توجه دارند و این نشان از انعطاف‌پذیری رویکرد حکمرانی خوب دارد. البته با وجود کثرت دیدگاه‌ها، می‌توان هسته ثابتی در تعاریف و شاخص‌های حکمرانی خوب فهم کرد.

از طرفی حکمرانی به واسطه قواعد حقوقی چارچوب‌بندی و قاعده‌مند می‌شود. در واقع هم باید حکمران، برای حکمرانی صلاحیت قانونی داشته باشد و هم شیوه حکمرانی حکمران باید منطبق با قانون باشد. در این زمینه و با توجه به سلسله‌مراتب قوانین، قانون اساسی که در رأس هرم قوانین قرار می‌گیرد، به منشور حکمرانی تعبیر می‌شود و حکمرانی باید منطبق با قانون اساسی باشد؛ بنابراین برای تحقق حکمرانی خوب ضروری است، ابتدا دلالت‌های نظریه حکمرانی خوب در قانون اساسی بررسی و عدم مغایرت آن با قانون اساسی تأیید شود.

امامی و شاکری در مقاله خود، پس از بررسی مفهوم، مبانی، اهداف و مؤلفه‌های حکمرانی خوب، مؤلفه‌های حکمرانی خوب در قانون اساسی را ارزیابی کردند (امامی و شاکری، ۱۳۹۴)؛ در این پژوهش

1. Paradigm

2. Good Governance

مشخص نیست از چه قرائتی از حکمرانی خوب استفاده شده است. همچنین مقدمه قانون اساسی و برخی از اصول مورد غفلت واقع شده است. پژوهش مذکور از روش توصیفی-تحلیلی بهره برده است که با پژوهش حاضر متفاوت است. همچنین مفتوح و همکاران اجرای نظریه حکمرانی خوب در جوامع اسلامی را امکان‌سنجی کرده‌اند و در ضمن بیان دیدگاه‌های مخالفان و موافقان نظریه حکمرانی خوب، استدلال آنها به برخی از اصول قانون اساسی را بیان کرده است که جامعیت و مانعیت ندارد (مفتوح و همکاران، ۱۳۹۴). علیخانی و همکاران در پژوهش خود تنها به بررسی ظرفیت‌های قانون اساسی ایران در افزایش مشارکت شهروندان در پرتو راهبردهای حکمرانی خوب پرداختند (اسلامی و همکاران، ۱۳۹۸) که این پژوهش تنها یکی از مؤلفه‌های حکمرانی خوب را پوشش می‌دهد. ساعی و همکاران در پژوهش خود به بررسی جایگاه حکمرانی خوب در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران و اندیشه امام خمینی (ره) پرداخته‌اند که به برخی از اصول قانون اساسی در ذیل مؤلفه‌های حکمرانی خوب اشاره شده است (ساعی و همکاران، ۱۳۹۸). حیدری، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را در چشم‌انداز حکمرانی خوب بررسی کرده است که اصول کمی در این پژوهش بررسی شده و عمده اصول مرتبط مورد غفلت واقع شده است (حیدری، ۱۳۹۵).

سؤال اصلی پژوهش این است که حکمرانی خوب، به‌عنوان یکی از مطرح‌ترین نظریات و الگوهای حکمرانی در جهان، چه دلالت‌هایی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ این پژوهش با رویکرد توصیفی و تحلیلی انجام گرفته است و از روش تحقیق دلالت‌پژوهی استفاده می‌کند. در این پژوهش ابتدا ادبیات بحث، از جمله تاریخچه، تعریف و شاخص‌های حکمرانی خوب تبیین شده و در ادامه روش تحقیق و گام‌های دلالت‌پژوهی بررسی می‌شود و در نهایت دلالت‌های اصول حکمرانی خوب در چهار جدول متناسب به سهم‌یاری‌های قانون اساسی بیان می‌شود.

۲. مرور ادبیات پژوهش

۲.۱. تاریخچه حکمرانی و حکمرانی خوب

پدیده حکمرانی، یکی از مباحث میانی جدید در طیفی از رشته‌های اجتماعی به حساب می‌آید که پیش از هر چیزی متوجه تمرکززدایی از قدرت (در معنای سنتی و ستفالیایی) است (یزدانی زازرانی، ۱۳۹۱: ۱۰۹). پیدایش مفهوم حکمرانی با تغییر حکومت و ستفالیایی در سیر تاریخ همراه بود؛ ایده‌ای که بر اساس آن، دولت - ملت‌های مستقل در مرزها و قلمروهایی مشخص سازماندهی شده و هر دولت - ملت با دارا بودن قدرت عالی که در بعد نرم به حاکمیت و اقتدار عالی تعبیر می‌شود و در بعد سخت به حکومت که بازیگر اصلی در حوزه سیاسی است، مشخص می‌شدند. در سیستم و ستفالیایی شاهد سلسله‌مراتب (هرم)

واضحی از اقتدار و قدرت در یک فرایند بالا به پایین هستیم که دولت‌ها در مرکز آن قرار دارند (Kennett, 2008: 4). اساساً می‌توان حکمرانی را جایگزینی برای اعمال حاکمیت یا حکومت کردن در معنای وستفالیایی آن در نظر گرفت. البته مفهوم حکمرانی، وسیع‌تر از مفهوم حکومت است. حکومت به‌طور مشخص با نقش مقامات سیاسی در حفظ نظم اجتماعی در سرزمین معین و اعمال قدرت اجرایی در محدوده آن سروکار دارد (زهیری، ۱۳۹۳: ۹۲)؛ اما حکمرانی علاوه بر مدنظر قرار دادن حکومت، نهادهای خارج از حکومت را نیز در حکمرانی مشارکت می‌دهد.

مفهوم حکمرانی در سیر تاریخی تحولات مدیریت دولتی سر برآورده است. از زمان ایجاد رشته مدیریت دولتی از رشته‌های دیگر علوم اجتماعی که پیشینه طولانی‌تری دارند، مانند حقوق و علوم سیاسی، نظریات متعددی به‌منظور نحوه اداره و مدیریت بخش دولتی و فراهم آوردن رفاه بیشتر برای شهروندان از سوی اندیشمندان ارائه شده است که در چارچوب الگوواره‌های زمان خود، به اظهارنظر و ارائه راه‌حل پرداخته‌اند. یکی از شناخته‌شده‌ترین این الگوواره‌ها، الگوواره مدیریت دولتی سنتی بود که بوروکراسی وبری، جزء لاینفک آن به‌شمار می‌آید. این جریان فکری تا اوایل دهه ۱۹۸۰، الگوواره مطرح در حوزه مدیریت بخش دولتی بود؛ اما با ظاهر شدن ابعاد منفی و نقاط ضعف آن، الگوواره دیگری به نام مدیریت عمومی نوین، ظهور یافت که خصوصی‌سازی و پیمانکاری را شعار اصلی خود در عرصه عمومی قرار داد؛ اما وعده وعیدهای این جریان فکری نیز در بسیاری از کشورها حتی در کشورهای مبدع آن، سرابی بیش نبود و به‌زودی مشخص شد این الگوواره نیز قادر نیست خیر و رفاه مناسب و عادلانه‌ای برای شهروندان فراهم سازد. پس بشر مجدداً در جست‌وجوی الگوواره‌های دیگری برآمد. ظهور خدمات عمومی نوین و حکمرانی نتیجه این تلاش جدید بود (یزدانی زازرانی، ۱۳۹۱: ۱۲۱). در این راهبرد جدید، مسئله ابعاد دولت، یعنی «کوچک‌سازی»، نقش محوری خود را به «توانمندسازی دولت» می‌دهد (صوفی مجیدپور، ۱۳۸۳: ۱۲). توانمندسازی دولت تنها از طریق کوچک‌سازی تحقق پیدا نمی‌کند، بلکه علاوه بر آن، از طریق شایسته‌سالاری، تمرکززدایی، همکاری و نظارت نهادهای مدنی و استانداردهای نظام‌های آمار، پولی و بودجه‌ای تحقق پیدا می‌کند (می‌دری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۹). در نهایت علت اصلی پیدایش حکمرانی خوب، توسعه اقتصادی بوده است. درباره توسعه، سه رهیافت، دولت بزرگ، دولت کوچک و الگوی حکمرانی خوب وجود داشته است. با توجه به اینکه از نظر کارشناسان نهادهای بین‌المللی، دو رهیافت اول دارای ضعف‌هایی بوده و کارایی لازم خود را از دست داده است، آنان رهیافت حکمرانی خوب را به‌عنوان بهترین عامل توسعه پذیرفته و آن را به کشورهای در حال توسعه پیشنهاد کرده‌اند (حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۳: ۱۳).

برای درک بهتر مفروضات سه نظریه قبل می‌توان از جدول ۱ استفاده کرد.

جدول ۱. جدول مفروضات تئوری حکمرانی درباره مفاهیم کلیدی کارایی، دموکراسی، قدرت و نقش دولت

مفاهیم کلیدی در تئوری حکمرانی	مفروضات مدیریت دولتی نوین	مفروضات مدیریت دولتی سنتی	مفروضات تئوری حکمرانی
کارایی	از طریق رقابت تأمین می‌شود.	از طریق سلسله‌مراتب اداری تأمین می‌شود.	از طریق مشارکت تأمین می‌شود.
دموکراسی	جمع‌بندی ترجیحات افراد توسط سیاستمداران صورت می‌گیرد. تمایز میان امور سیاسی و مدیریت اجرایی وجود ندارد.	از طریق پارلمان انتخابی تأمین می‌شود. تمایز میان امور سیاسی و اجرا	از طریق مشورت و مشارکت تأمین می‌شود. هیچ تمایزی میان امور سیاسی و فرایندهای اجرایی وجود ندارد.
قدرت	در بازار پخش می‌شود و در نتیجه بدون مشکل است.	مشهود است و در مرکز حکومت قرار دارد.	میان شبکه‌های مورد اجماع در حال شکل‌گیری پخش است.
نقش دولت	دولت شرایط مناسب برای دادوستد را فراهم می‌کند.	دولت دارای مکانیزم کنترل و هدایت است.	دولت، حکمرانی شبکه‌ای را تسهیل می‌کند.

منبع: (Anne Mette Kjaer, 2005: 4)

بنابراین ناکارآمدی دولت‌ها در نظریات پیشین به خلق مفهوم حکمرانی منجر شد و در این الگوواره سعی در تغییر ساختار سنتی قدرت و وزن‌دهی بیشتر به نهادهای موازی دولت در تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌ها وجود دارد.

۲.۲. تعریف حکمرانی و حکمرانی خوب

تعاریف مختلفی از حکمرانی ارائه شده است، همچنین نظریات مختلفی در بیان شیوه‌های حکمرانی بیان شده است. در فرهنگ لغت آکسفورد و در یک معنای عام حکمرانی، فعالیت یا روش حکم‌راندن، اعمال کنترل یا قدرت، بر فعالیت زیردستان و نظامی از قوانین و مقررات است.^۱ سازمان ملل متحد، حکمرانی را این‌گونه تعریف می‌کند: «حکمرانی، مجموعه‌ای از اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه‌ریزی و اداره مشترک امور و فرایند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد است که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت می‌کند و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است» (UN, 1996: 1). در تعریف دیگر حکمرانی: «رابطه بین جامعه مدنی و دولت، بین حکمرانان و حکمرانی شوندگان، حکومت و حکومت‌شوندگان» است (Cartney et al., 1995: 12). به اعتقاد جان پی‌یر، حکمرانی اشاره دارد به «هماهنگی مداوم و وابستگی میان طیف وسیعی از

1. https://www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/american_english/governance

بازیگران با اهداف متفاوت». چنین بازیگرانی احتمالاً شامل بازیگران سیاسی و نهادی، گروه‌های منافع جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی و فرا دولتی خواهند بود. این تعریف نشان می‌دهد، درحالی‌که حکومت یک دولت سنتی مجبور به کنار آمدن با چالش‌های درونی و بیرونی از جانب بازیگران فوق است، برخی از کار ویژه‌هایی که قبلاً در حوزه خاص حکومت قرار داشت ممکن است به برخی نهادهای مشابه واگذار شود (Pierre, 2000: 10). البته در ادبیات حکمرانی همواره باید به این نکته توجه داشت با اینکه دولت‌ها، بازیگران دیگر از جمله شرکت‌های خصوصی و نهادهای جامعه مدنی را در عرصه قدرت به رسمیت شناخته‌اند و سعی می‌کنند اهداف مدنظر خودشان را با همکاری سایر بازیگران پیش ببرند، اما همچنان دولت‌ها در عرصه قدرت، جایگاه کانونی دارند و در نظریات حکمرانی نقش دولت‌ها با سایر نهادها هم‌عرض نیست و از جایگاه بالاتری برخوردار است و دولت‌ها نقش راهنما و سازنده اولویت‌ها و اهداف را ایفا می‌کنند و هیچ‌گاه کنار زنده نخواهند شد.

نظریه یا الگوی حکمرانی خوب، از جمله ابزارهایی است که برای بهبود بخشیدن به عملکرد سیستم‌های مدیریتی و سیاسی در نظر گرفته شده است. بانک جهانی برای اولین بار در گزارشی که در سال ۱۹۸۹ میلادی منتشر کرد، حکمرانی خوب را ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو تعریف کرده است (Woods, 2000: 824). همچنین برنامه توسعه سازمان ملل متحد حکمرانی خوب را این‌گونه تعریف کرده است: «حکمرانی خوب کوششی در جهت حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، برابری، کارایی، اثربخشی، پاسخگویی و دیدگاه استراتژیک در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری است» (UNDP, 1997: 2-3).

رویکردهای گوناگونی نسبت به حکمرانی خوب وجود دارد و هر دیدگاه متناسب با جهان‌بینی، اصول، ارزش‌ها و نگاه مکتبی خاصی بیان شده است، در نتیجه حکمرانی خوب در بسترها و شرایط متفاوت، به‌صورت گوناگونی تعریف شده است و ارائه تعریف واحد جهانی از حکمرانی خوب، غیرمنطقی است.

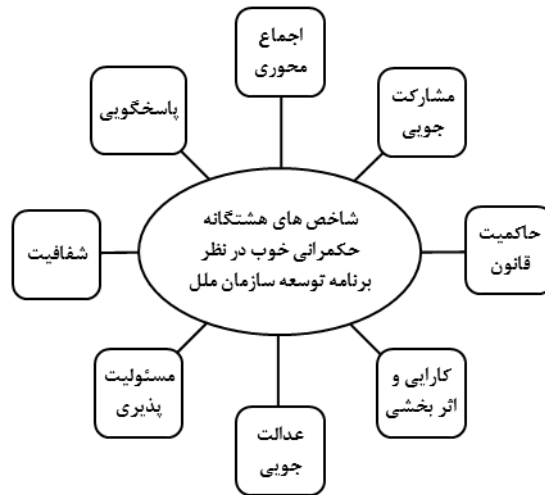
۳.۲. شاخص‌های حکمرانی خوب

شاخص عبارت است از سازوکار مناسب برای معرفی و سنجش یک پدیده (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲). نهادهای بین‌المللی برای حکمرانی خوب شاخص‌هایی ذکر کرده‌اند تا از این طریق، میزان عملیاتی شدن حکمرانی خوب در کشورها را ارزیابی کنند. اگر کشوری مطابق رویکرد حکمرانی خوب بتواند رتبه خوبی در شاخص‌ها کسب کند، از کمک‌ها و حمایت‌های جهانی و نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی، برنامه توسعه سازمان ملل متحد و صندوق بین‌المللی پول برخوردار می‌شود (حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۳: ۱۶)؛ بنابراین مسئله اصلی دستیابی به شاخص‌ها و معیارهای کمی مناسب برای محاسبه کیفیت حکمرانی است.

سه تن از پژوهشگران بانک جهانی؛ دانیل کافمن، آرت کری و پابلو زویدو لوبتون، یافته‌های مؤسسه‌های مختلف بین‌المللی همچون واحد اطلاعات اقتصادی، گروه بین‌المللی ریسک کشور، بنیاد هریتیج و خانه آزادی پیرامون وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ادغام کرده و شاخص‌های کلی و جدیدی تحت عنوان شاخص‌های حکمرانی معرفی کرده‌اند (حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۸۳: ۱۴۶). این پژوهشگران شش شاخصه برای حکمرانی خوب بیان کرده‌اند. شاخصه‌های موردنظر عبارت‌اند از: حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت (کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله)؛ کیفیت تنظیم قوانین (مقررات اضافی و هزینه‌های آن)؛ حاکمیت قانون و کنترل فساد (Kaufman et al., 2009). بانک جهانی از این شاخص‌های شش‌گانه برای ارزیابی حکمرانی خوب در دویست کشور استفاده کرده است (الوانی و علیزاده ثانی، ۱۳۸۶: ۵).

برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۱ خصوصیات و شاخص‌هایی را برای حکمرانی خوب معرفی می‌کند که در آن بر پاسخگویی، اجماع‌محوری، مشارکت، قانون‌محوری، کارایی و اثربخشی، عدالت و برابری، مسئولیت‌پذیری و شفافیت، تأکید شده است (UNDP, 1997: 2-3). کمیسیون حقوقی سازمان ملل در قطعنامه شماره ۲۰۰۰/۶ ویژگی‌های حکمرانی خوب را این‌گونه برشمرده است: شفافیت، مسئولیت، پاسخگویی، مشارکت، حاکمیت قانون و انعطاف‌پذیری (صدرایی، ۱۳۹۶: ۲۶). کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه، هشت ویژگی را برای حکمرانی خوب برشمرده است: پاسخگویی، شفافیت، حاکمیت قانون، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، اجماع‌محوری، اثربخشی و کارایی و عدالت (صباغ کرمانی و باسزا، ۱۳۸۸: ۳).

در بین شاخص‌های متفاوت و گوناگونی که برای حکمرانی خوب طراحی شده است، شاخص‌های هشتگانه برنامه توسعه سازمان ملل متحد به‌عنوان یک مبنای اساسی برای ویژگی‌های حکمرانی خوب شناخته می‌شود و به‌علت دقیق بودن و شمول گسترده‌تر مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. شاخص‌های هشتگانه کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه نیز عیناً همین هشت اصل را برای شاخص‌های حکمرانی خوب مدنظر قرار داده است.



شکل ۱. اصول هشتگانه حکمرانی خوب از منظر برنامه توسعه سازمان ملل متحد

۱. **مشارکت:** مشارکت مردان و زنان پایه و اساس حکمرانی خوب است. مشارکت می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و از طریق نهادهای واسطه مشروع یا نمایندگی‌ها باشد. مراد از دموکراسی و نمایندگی الزاماً به معنای دخالت در تصمیم‌گیری مربوط به آسیب‌های اجتماعی نیست، بلکه به معنای وجود آزادی بیان و اجتماعات از یک سو و وجود جامعه مدنی سازمان‌یافته از سوی دیگر است.
۲. **حاکمیت قانون:** حکمرانی خوب نیازمند وجود چارچوب قانونی و اجرای عادلانه و بی‌طرفانه آن است؛ همچنین این قانون باید به‌طور کامل حمایت‌کننده حقوق همه افراد به‌ویژه اقلیت‌های موجود باشد. اجرای بی‌طرفانه قانون نیازمند یک دستگاه قضایی بی‌طرف و به دور از فساد است.
۳. **شفافیت:** شفافیت به این معناست که تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات باید منطبق بر قوانین و مقررات و با اطلاع عموم شهروندان انجام گیرد؛ همچنین امکان دسترسی به اطلاعات به صورت آزادانه برای همه اشخاصی که در معرض این تصمیمات، مقدور است. معنای دیگر شفافیت، بیان اطلاعات لازم و قابل فهم در قالب فرم‌های مشخص و از طریق رسانه‌های عمومی است.
۴. **مسئولیت‌پذیری:** حکمرانی خوب نیازمند آن است که نهادها و فرایندها برای ارائه خدمات لازم به همه ذی‌نفعان در یک بازه زمانی مناسب تلاش کنند.
۵. **اجماع محوری:** بازیگران متعدد با نظرهای مختلف در یک جامعه وجود دارند. حکمرانی خوب مستلزم میانجیگری میان دیدگاه‌های مختلف جامعه برای رسیدن به اجماع گسترده به نفع کل جامعه

و نحوه دستیابی به آن است؛ همچنین نیازمند چشم‌انداز بلندمدت برای توسعه انسانی پایدار و چگونگی رسیدن به آن است و این تنها از طریق درک صحیح زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه به دست می‌آید.

۶. **عدالت‌جویی:** وجود یک جامعه بستگی به آن دارد که اعضایش اطمینان حاصل کنند در آن سهمی دارند و از جریان اصلی جامعه حذف شده‌اند. این امر مستلزم برخورداری شدن همه گروه‌ها به ویژه قشر آسیب‌پذیر از فرصت‌های رشد و بهبود است.

۷. **کارایی و اثربخشی:** حکمرانی خوب به این معناست که فرایندها و نهادهایی که تأمین‌کننده نیازهای مردم‌اند، بهترین استفاده را از منابع در اختیار خود ببرند. مفهوم اثربخشی در حکمرانی خوب، استفاده پایدار از منابع طبیعی است و حفظ محیط زیست را در برمی‌گیرد.

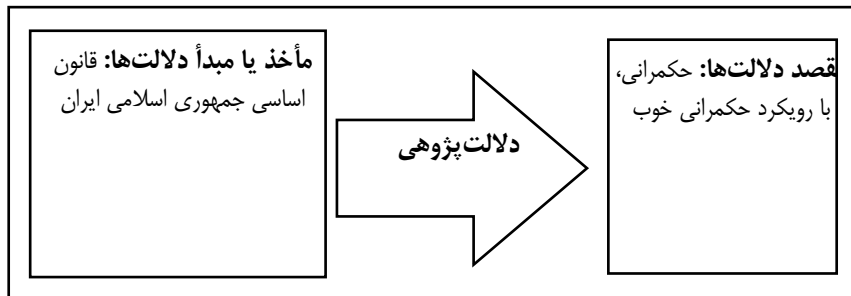
۸. **پاسخگویی:** پاسخگویی یک نیاز اصلی در حکمرانی خوب است. نه تنها نهادهای دولتی، بلکه بخش خصوصی و جامعه مدنی در قبال منافع مردم و ذی‌نفعان خود مسئول‌اند؛ اما اینکه چه کسی پاسخگوی تصمیمات و اقدامات درونی و بیرونی سازمان یا مؤسسه است، متفاوت است. به‌طور کلی یک سازمان یا نهاد به کسانی پاسخگوست که تصمیمات و اقداماتش بر آنها تأثیرگذار است. پاسخگویی بدون شفافیت و حاکمیت قانون قابل اجرا نیست (Sheng, 2009: 2).
از خلأهای این خوانش از حکمرانی خوب، توجه ناکافی به نظارت و کنترل‌پذیری است، هرچند پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری در نظر گرفته شده است، اما این موارد از جانب فاعل است، اما در حکمرانی خوب، نیازمند نظارت برای حسن اجرای قانون و مقررات نیز است.

۳. روش پژوهش

این پژوهش بر اساس روش تحقیق «دلالت‌پژوهی در علوم اجتماعی» که در مقاله‌ای با همین عنوان توسط دکتر دانایی‌فرد ابداع شده، تدوین شده است (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵). این روش تحقیق زمانی کاربرد دارد که یک ایده، نظریه، گزاره کلی ایده‌دار، فلسفه یا رویکرد مطرح شود و رشته‌ها یا نظریات دیگر سعی کنند از آن، در توسعه و تعالی رشته یا نظریه خود استفاده کنند؛ بنابراین هنگامی که بخواهیم از یک علم یا نظریه دیگر در علم یا نظریه خودمان ایده‌برداری کنیم، از دلالت‌پژوهی استفاده می‌کنیم. در واقع دلالت‌پژوهی یک روش تحقیق برای پژوهش‌های بین‌رشته‌ای است و در مرز علم به کار می‌رود که به غنای رشته‌های مختلف می‌افزاید و ایده‌ها و فلسفه‌های کلی را بین رشته‌های مختلف علمی به جریان درمی‌آورد و به توسعه دانش منجر خواهد شد.

در پژوهش‌های دلالت‌پژوهی یک مبدأ و مأخذ دلالت‌پژوهی و یک مقصد برای دلالت‌ها متصور

است. در این پژوهش مأخذ یا مبدأ دلالت پژوهی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شده و مقصد حکمرانی، با رویکرد حکمرانی خوب تعبیه شده است.



شکل ۲. ارکان دلالت پژوهی

در این پژوهش از دلالت پژوهی نظام‌مند استفاده شده است که ابتدا در مقصد دلالت پژوهی، یک چارچوب مفهومی طراحی شده که در نهایت به دنبال دلالت‌هایی از اخذ در این چارچوب مفهومی است. انجام پژوهش از طریق روش تحقیق دلالت پژوهی مشمول ۱۱ گام می‌شود که این گام‌ها به صورت خطی نیست، بلکه به صورت تعاملی و رفت و برگشتی تعریف شده‌اند و برای اتقان دلالت‌ها ممکن است چند مرتبه سیر این گام‌ها تکرار شود.

۱. **تعیین مناسب‌ترین روش شناسی دلالت پژوهی:** این روش تحقیق در پی انجام پژوهش تجربی (تبیین، فهم و واکاوی) نیست، بلکه در پی دلالت پژوهی (دانش عاریه‌ای) است. در پژوهش حاضر که در پی استخراج دلالت‌های اصول حکمرانی خوب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، روش دلالت پژوهی مناسب‌ترین روش تحقیق است.
۲. **تعیین مأخذ احصای دلالت‌ها:** مأخذ احصای دلالت‌ها در این پژوهش، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که دلالت‌های آن بر حکمرانی با رویکرد حکمرانی خوب، احصا می‌شود. دلیل انتخاب قانون اساسی به عنوان مأخذ این است که قانون اساسی منشور حکمرانی در سطح ملی است و قواعد و چارچوب‌های حکمرانی در دولت‌های مدرن، در قانون اساسی تعبیه شده است.
۳. **تعیین فرایندی برای واکاوی ابژه:** فرایند واکاوی مأخذ به این صورت طراحی شده است که برای هر دو شاخص از هشت شاخص حکمرانی خوب، یک مرتبه قانون اساسی، متناسب با سهم‌یاری‌ها، مطالعه می‌شود و دلالت‌های صریح و ضمنی استخراج می‌شود. در مجموع در این روند چهار مرتبه قانون اساسی مطالعه شده است.

۴. **تعیین چارچوب مفهومی موضوع دلالت پژوهی:** در این گام باید به این پرسش پاسخ داده شود که دلالت‌های سهم‌یاری‌ها باید بر چه موضوعات و حوزه‌هایی باشد؟ در این پژوهش از رویکرد دلالت‌پژوهی نظام‌مند استفاده شده است که پیش از دلالت‌پژوهی، مقصد را چارچوب‌بندی می‌کند و در این چارچوب، دلالت‌یابی از سهم‌یاری‌ها صورت می‌پذیرد. بر این اساس و برای چارچوب‌بندی حکمرانی خوب، نظریات مختلف حکمرانی خوب بررسی شد و در نهایت تعریف و شاخص‌بندی برنامه توسعه سازمان ملل برگزیده شد؛ بنابراین مقصد بر اساس نظریه حکمرانی خوب از منظر برنامه توسعه سازمان ملل و در هشت اصل چارچوب‌بندی شده است.

۵. **انجام نمونه‌گیری نظری ابژه دلالت‌پژوهی:** در این مرحله گردآوری داده از روش‌های گوناگون از جمله مصاحبه و بررسی متون، به‌دفعات متعدد صورت می‌پذیرد؛ اما به‌علت اینکه مأخذ دلالت‌پژوهی در پژوهش کنونی متن قانونی مشخصی انتخاب شده است، بنابراین نمونه‌گیری داده در این مرحله تنها تدارک متن قانون اساسی است؛ اما به‌دلیل اینکه منبع مشخص است، لازم است چند مرتبه مطالعه شود تا دلالت‌های صریح و ضمنی مشخص شود.

۶. **احصای سهم‌یاری‌های ابژه دلالتی (مأخذ):** سوال کلیدی در دلالت‌پژوهی این است که نظریه، رویکرد یا ایده مأخذ در چه زمینه‌هایی برای حوزه مطالعاتی مقصد دلالت دارد؟ قانون اساسی در مفهوم عام به تمامی قواعد و مقررات موضوعه یا عرفی، مدون یا پراکنده‌ای گفته می‌شود که مربوط به قدرت و انتقال و اجرای آن است. قانون اساسی از یک سو حد و مرز آزادی فرد را در برابر عملکردهای قدرت (نهادهای فرمانروا) و از سوی دیگر حدود اعمال قوای عمومی را در برخورد با حوزه حقوق فردی رسم می‌کند (قاضی، ۱۳۹۳: ۳۹)؛ بنابراین در گام اول دو سهم‌یاری اصلی در مقصد شناسایی شد که عبارت‌اند از: تنظیم قدرت دولت و تضمین حقوق ملت؛ اما پس از بررسی اولیه دلالت‌ها، مؤلف متوجه برخی اصول شد که دایره شمول آنها گسترده‌تر از دو سهم‌یاری مذکور است، از جمله اصولی که در فصل اول قانون اساسی بیان شده است؛ بنابراین یک سهم‌یاری دیگر به‌عنوان اصول کلی به دو سهم‌یاری اخیر اضافه شد. در نهایت مقدمه قانون اساسی نیز به‌عنوان یک سهم‌یاری در مأخذ مدنظر قرار گرفت، البته در زمینه جایگاه حقوقی مقدمه قانون اساسی در بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی برای مقدمه قانون اساسی ارزش حقوقی قائل نیستند، اما در عین حال منکر اهمیت و نقش آن در زمینه‌سازی اصول قانون اساسی هم نیستند (هاشمی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۶۸). از طرفی برخی دیگر استفاده از این متن را برای تفسیر اصول قانون اساسی لازم دانسته و معتقدند مقدمه قانون اساسی ادبیات نیست، بلکه از اصولی است که باید در تفسیر به آن توجه کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۰۷). با توجه به اینکه حقوقدانان با وجود اختلاف‌نظرهایی که در خصوص میزان اعتبار حقوق مقدمه دارند، منکر نقش و جایگاه

آن در تفسیر صحیح و دقیق از اصول قانون اساسی نیستند، از این رو منبع شایسته‌ای برای شناسایی اهداف مدنظر قانونگذار اساسی است و می‌تواند به مفسر قانون اساسی در نیل به برداشت مطلوب از اصول قانون اساسی کمک کند (نیکونهاد، ۱۳۹۲: ۲۰۹).

در نتیجه در مجموع چهار سهم‌یاری از قانون اساسی استخراج شد که هر کدام مشمول بخشی از قانون اساسی است که در زیر مشخص شده است:

۱. مقدمه قانون اساسی؛
۲. اصول کلی: مشمول فصل اول قانون اساسی (اصول کلی)، فصل دوم (زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی کشور)، فصل سوم (اقتصاد و امور مالی) و فصل دهم (سیاست خارجی)؛
۳. تنظیم قدرت دولت: مشمول فصل ششم (قوة مقننه)، فصل هفتم (شوراها)، فصل هشتم (رهبر یا شورای رهبری)، فصل نهم (قوة مجریه)، فصل یازدهم (قوة قضائیه)، فصل دوازدهم (صدواسیما)، فصل سیزدهم (شورای عالی امنیت ملی) و فصل چهاردهم (بازنگری در قانون اساسی)؛
۴. تضمین حقوق ملت: مشمول فصل سوم (حقوق ملت) و فصل پنجم (حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن).

۷. **اعتبارسنجی سهم‌یاری‌های ابژه دلالت‌پژوهی:** در اعتبارسنجی سهم‌یاری‌های مأخذ دلالت‌پژوهی می‌توان از روش‌های مختلفی استفاده کرد، یکی از روش‌های اعتبارسنجی، کثرت استعمال توسط اندیشمندان برجسته آن عرصه است، به نحوی که اطمینان حاصل شود که این سهم‌یاری‌ها، از اعتبار علمی کافی برخوردارند. یکی از تعاریف مشهور قانون اساسی عبارت است از اینکه: «قانون اساسی، از یک سو حد و مرز آزادی فرد را در برابر عملکردهای قدرت و از سوی دیگر حدود اعمال قوای عمومی را در برخورد با حوزه حقوق فردی رسم می‌کند» (قاضی، ۱۳۹۳: ۳۹؛ طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۰: ۱۴؛ خسروشاهی، ۱۳۹۰: ۲۳۱) بر همین اساس و همچنین بر اساس فصل‌بندی قانون اساسی چهار سهم‌یاری مذکور طراحی شده است.

۸. **متناسب‌سازی سهم‌یاری‌ها با چارچوب مفهومی موضوع دلالت‌پژوهی:** در این گام برای درک بهتر ارتباط سهم‌یاری‌ها با چارچوب مقصد، جدولی طراحی شده است که اصول هشتگانه حکمرانی خوب در ستون و چهار سهم‌یاری قانون اساسی در ردیف افقی جایگذاری شده است.

۹. **احصای دلالت‌های موردنظر:** در این مرحله دو حالت داریم؛ ممکن است دلالت‌ها جدید باشند و نخستین بار توسط پژوهشگر از منبع دست اول که در این پژوهش قانون اساسی است، استخراج شده باشد، یا دلالت‌ها از منابع دست‌دوم استخراج شده باشد و توسط پژوهشگر قبض و بسط داده شده باشد یا تدقیق شود. در این پژوهش از هر دو حالت و از منابع دست‌دوم مختلفی بهره‌برداری شده

است که البته برخی دلالت‌ها دقیق نبود یا اشتباه بود یا جامع‌ومانع نبود که در نهایت توسط پژوهشگر اصلاح و تکمیل شد. همچنین بسیاری از دلالت‌ها نخستین بار توسط پژوهشگر استخراج شده است، از جمله دلالت‌هایی که از مقدمه قانون اساسی استخراج شده است. در این پژوهش دلالت‌های استنباط‌شده در جدول ۲ جایگذاری شده و در هر دلالت سعی شده است که شماره اصل مرتبط مورد اشاره قرار گیرد.

۱۰. **اعتبارسنجی دلالت‌ها:** پس از احصای دلالت‌ها، مجدداً دلالت‌ها اعتبارسنجی شده است.

۱۱. **ارائه گزارش:** گزارش یافته‌های مقاله در قالب چهار جدول ارائه شده است.

۴. تحلیل یافته‌های پژوهش

ابتدا مستندات دلالت‌های مستخرج از قانون اساسی در قالب چهار جدول، دسته‌بندی شده و در نهایت دلالت‌های مستخرج از این مستندات در قالب جدول ۶ بیان می‌شود.

جدول ۲. دلالت‌های حکمرانی خوب سهم‌یاری مقدمه قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	
مقدمه قانون اساسی	
(۱) اجماع محوری	حکمرانی خوب
<ul style="list-style-type: none"> • در بخش بهایی که ملت پرداخت؛ شعار «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» که در قانون اساسی نیز بیان شده است و از آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران است، محل اجماع مردم قرار گرفته است. • در بخش بهایی که ملت پرداخت؛ با تحقق ۹۸/۲ درصد رأی مثبت به نظام جمهوری اسلامی، ملاک اجماع ملت ایران دو رکن اسلام و جمهوریت شناخته شد. • در قسمت شیوه حکومت در اسلام؛ معیار همبستگی جمعیت و اجماع جمعیت در ایران، هم‌کیشی و هم‌فکری ملت است که می‌خواهد به خود سازمان دهد تا راه را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید. • در بخش شیوه حکومت در اسلام؛ بیان شده است که قانون اساسی با محتوای اسلامی انقلاب ایران را حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفان بر مستکبران بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج از کشور و به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی، فراهم می‌کند تا راه تشکیل امت جهانی هموار شود (حکومت جمهوری اسلامی ایران به دنبال اجماع‌سازی جهانی بر اساس اسلام و ایجاد امت واحد جهانی است). 	

<p>۲) مشارکت‌جویی</p>	<ul style="list-style-type: none"> • در بخش شیوه حکومت اسلام؛ قانون اساسی تضمین‌کننده نفی هرگونه استبداد و در خط سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند (سطح بالای مشارکت‌جویی از بعد سیاسی که همان حق تعیین سرنوشت ملت‌هاست). • در بخش شیوه حکومت در اسلام؛ هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی بیان شده است و این جز درگرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد. قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد. • در بخش ولایت‌فقیه عادل؛ قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع‌الشرایطی را که از طرف مردم به‌عنوان رهبر شناخته می‌شود، آماده می‌کند. • در بخش وسایل ارتباط؛ وسایل ارتباط در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی باشد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره‌جوید (آزادی بیان و فراهم کردن فرصت تقابل اندیشه‌های متفاوت، به مشارکت بیشتر مردم منجر خواهد شد).
<p>۳) حاکمیت قانون</p>	<ul style="list-style-type: none"> • قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای ... جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است ... (حاکمیت قانون شرع) • هشت مرتبه اشاره به استبداد و نفی آن در مقدمه قانون اساسی • در بخش حکومت اسلامی؛ بیان شده است: طرح حکومت اسلامی بر پایه ولایت‌فقیه ... (ولایت‌فقیه یکی از ارکان تحقق حاکمیت قانون شرع است). • در بخش شیوه حکومت اسلام؛ رسالت قانون اساسی عینیت بخشیدن به زمینه‌های اعتقادی نهضت و ایجاد شرایطی است که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی پرورش یابد (بیانگر حاکمیت قانون شرع). • در بخش شیوه حکومت اسلام؛ نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام‌شناسان عادل و پرهیزکار و متعهد (فقه‌های عادل) امری محتوم و ضروری است. • در بخش ارتش مکتبی؛ در قانون اساسی صرفاً یک مرتبه از عنوان حاکمیت قانون استفاده شده است که به صورت «حاکمیت قانون خدا» به کار رفته است و بیانگر اصل حاکمیت قانون شرع در جمهوری اسلامی ایران است.
<p>۴) کارایی و اثربخشی</p>	<ul style="list-style-type: none"> • در بخش اقتصاد وسیله است نه هدف؛ اقتصاد را وسیله‌ای برای رفع نیازهای انسان در جریان رشد دانسته و با این هدف اقتصاد وسیله است نه هدف، نهایتاً از وسیله جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان انتظار داشت (مهم‌ترین ارزش نظام اقتصادی کارایی بالا در رفع نیازهای عموم مردم در مسیر رشد الهی است). • در بخش قوه مجریه؛ نفی و طرد شدید نظام بوروکراسی که زائیده حاکمیت طاغوتی است، با این هدف که نظام اجرایی با کارایی بیشتر و سرعت روزافزون‌تر در اجرای تعهدات اداری ایجاد شود.

<p>۵) عدالت‌جویی</p>	<ul style="list-style-type: none"> • در بخش اقتصاد وسیله است نه هدف؛ در بنیادهای اقتصادی نظام، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی (عدالت اقتصادی ابزاری در جریان رشد و تکامل انسان‌هاست). • در بخش اقتصاد وسیله است نه هدف؛ تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد بر عهده حکومت اسلامی است. • در بخش قضا در قانون اساسی؛ نظام قضایی به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن لازم است به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم و بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل باشد.
<p>۶) مسئولیت‌پذیری</p>	<ul style="list-style-type: none"> • در بخش زن در قانون اساسی؛ حمایت از خانواده که نهاد بنیادین جامعه است، جزو وظایف حکومت اسلامی برشمرده شده است.
<p>۷) شفافیت</p>	<ul style="list-style-type: none"> • دلالتی یافت نشد.
<p>۸) پاسخگویی</p>	<ul style="list-style-type: none"> • دلالتی یافت نشد.

جدول ۳. دلالت‌های حکمرانی خوب سهم‌یاری اصول کلی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران		
اصول کلی		
۱.۱. اجماع‌محوری	<ul style="list-style-type: none"> اصل ۱ (اشاره به اجماع ۹۸/۲ درصد از مردم بر جمهوری اسلامی) اصل ۲ (یکی از اهداف نظام جمهوری اسلامی: همبستگی ملی) بند ۸ اصل ۳ (مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت خویش) بند ۱۵ اصل ۳ (توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم) اصل ۱۱ (سیاست ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی) اصول ۱۲، ۱۳ و ۱۴ (شناسایی حقوق اقلیت‌های مذهبی و دینی و رفتار عادلانه و حسنه با غیرمسلمانان) اصول ۱۵، ۱۷ و ۱۸ (تعیین زبان، خط، تاریخ رسمی کشور و پرچم کشور) 	
۲. مشارکت‌جویی	<ul style="list-style-type: none"> بند ۴ اصل ۳ (حمایت از محققان سبب افزایش مشارکت نخبگان در اداره امور عمومی) بند ۸ اصل ۳ (مشارکت عام مردم در تعیین سرنوشت خویش) بند ۱۱ اصل ۳ (آموزش نظامی عمومی برای مشارکت عموم در امور نظامی و دفاعی ملی) اصل ۶ (اتکای اداره عمومی) اصل ۷ (شوراها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور) 	
۳. حاکمیت قانون	<ul style="list-style-type: none"> بند ۶ اصل ۳ (نفی استبداد ستیزی) اصل ۴ (ابتنای کلیه قوانین و مقررات بر شرع) اصل ۷ (تبیین صلاحیت و وظایف شوراها) اصل ۳۲ (منع دستگیری مگر به حکم قانون) اصل ۵۱ (وضع، معافیت، بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون) اصل ۵۲ (لزوم تصویب بودجه در مجلس و هرگونه تغییر در بودجه به موجب قانون) اصل ۵۳ (تمامی پرداختی‌های دولت در حدود اعتبارات مصوب و به موجب قانون) 	
۴. کارایی و اثربخشی حکمرانی خوب	<ul style="list-style-type: none"> بند ۲ اصل ۳ (بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در نهایت به کارایی بیشتر حکمرانی نیز منجر می‌شود؛ زیرا مخاطب رابطه حکمرانانه مردم است و آگاهی مردم کارایی حکمرانی را افزایش می‌دهد). بند ۱۰ اصل ۳ (ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضروری) بند ۱۳ اصل ۳ (خودکفایی در امور مختلف) اصل ۵ (شروط مدیر و مدبر بودن رهبری عامل کارایی و اثربخشی حکمرانی) بند ۶ اصل ۴۳ (افزایش کارایی در نتیجه منع اسراف و تبذیر) بند ۹ اصل ۴۳ (خودکفایی اقتصادی) اصل ۵۰ (در دیدگاه بلندمدت؛ حمایت از محیط‌زیست موجب کارایی و استفاده بهینه از منابع) 	

۵. عدالت‌جویی	<ul style="list-style-type: none"> • بند ۴ اصل ۲ (بنای جمهوری اسلامی ایران بر پایه ایمان به عدل خداوند در خلقت و تشریح) • بند ۹ اصل ۳ (رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی) • بند ۱۲ اصل ۳ (پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی ...) • بند ۱۴ اصل ۳ (تأمین حقوق همه‌جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون) • بندهای ۱، ۲، ۳، ۶، ۸ و ۱۰، اصل ۳ هر یک به‌صورت ضمنی دلالت بر عدالت دارد. • اصل ۵ (عدالت، یکی از ویژگی‌های مدنظر قانون اساسی برای ولی فقیه) • اصل ۱۴ (الزام دولت و مسلمانان نسبت به رعایت قسط و عدل اسلامی نسبت به غیرمسلمانان) • بندهای ۱، ۲، ۳ و ۴ اصل ۴۳ (اشاره به الزامات تحقق عدالت اقتصادی) • اصل ۴۸ (منع تبعیض برای استان‌های مختلف در سیاست‌ها و تصمیمات اقتصادی دولت) • اصل ۵۱ (ناظر بر عدالت مالیاتی) • اصل ۱۵۴ (از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: حکومت عدل، حق همه مردم جهان)
۶. مسئولیت‌پذیری	<ul style="list-style-type: none"> • اصل ۸ (امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای متقابل برای مردم و دولت)
۷. شفافیت	<ul style="list-style-type: none"> • اصل ۳ (لازمه تحقق بندهای ۲، ۴، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۴ این اصل، وجود شفافیت در نظام حکمرانی کشور) • اصل ۶ (نقش آرای عمومی در اداره امور کشور) • اصل ۸ (شفافیت، مهم‌ترین مقدمه نظارت مردم بر حکومت) • اصل ۴۴ (الزام به شفافیت اقتصادی در قوانین اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴) • اصل ۵۳ (تمرکز کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه کل) • اصل ۵۵ (شفافیت حساب‌های نهادهای عمومی که از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند و انتشار سالانه و عمومی گزارش تفریح بودجه)
۸. پاسخ‌گویی	<ul style="list-style-type: none"> • دلالتی یافت نشد.

جدول ۴. دلالت‌های حکمرانی خوب سهم‌یاری تنظیم قدرت دولت

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران		اجماع محوری	حکمرانی خوب
تنظیم قدرت دولت			
	• دلالتی یافت نشد.	۱. اجماع محوری	
	• اصل ۵۹ (اعمال قوه مقننه از طریق همه‌پرسی) • اصول ۶۲، ۶۳ و ۶۴ (انتخابات مجلس شورای اسلامی) • اصل ۱۰۴ (همکاری و مشارکت در تهیه برنامه‌ها یکی از دلایل تشکیل شوراهای واحدهای آموزشی، اداری و خدماتی، تأمین قسط اسلامی)	۲. مشارکت‌جویی	
	• اصل ۵۷ (تبیین وظایف رهبری در نسبت قوای سه‌گانه) • اصل ۷۱ (صلاحیت مجلس شورای اسلامی) • اصل ۷۲ (تبیین حدود صلاحیت مجلس شورای اسلامی، عدم مغایرت قوانین با شرع) • اصل ۱۰۷ (رهبری نیز مانند دیگران مشمول قانون است) • اصل ۱۱۰ (تبیین وظایف و اختیارات رهبری) • اصل ۱۱۳ (تبیین صلاحیت ریاست جمهوری) • اصل ۱۲۵ (تبیین صلاحیت ریاست جمهوری) • اصل ۱۲۸ (تبیین صلاحیت ریاست جمهوری) • اصل ۱۳۳ (روند قانونی تعیین وزرا) • اصل ۱۳۸ (صلاحیت وضع تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها توسط هیأت وزیران) • اصل ۱۴۰ (رسیدگی به اتهام رئیس‌جمهور و معاونان رئیس‌جمهور و وزرا) • اصل ۱۵۶ (وظایف قوه قضاییه) • اصل ۱۷۰ (تبیین وظیفه قضات در برابر تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های مخالف قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از اختیار قوه مجریه) • اصل ۱۷۳ (صلاحیت دیوان عدالت اداری)	۳. حاکمیت قانون	
	• اصل ۷۹ (امکان وضع محدودیت‌های موقت در شرایط اضطراری یا جنگ، با تصویب مجلس شورای اسلامی)	۴. کارایی و اثربخشی	

<p>۵. عدالت‌جویی</p>	<ul style="list-style-type: none"> • بند ۱۲ اصل ۳ (پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه) • اصل ۶۱ (قوه قضائیه مسئول اجرای عدالت در جامعه) • اصل ۶۹ و ۱۲۱ (ادای سوگند برای رعایت عدالت توسط نمایندگان مجلس و رئیس‌جمهور) • اصل ۹۰ (شکایت از قوای مجریه و قضائیه، در راستای عدالت قضایی) • اصول ۹۱، ۱۰۹، ۱۵۷، ۱۵۸ و ۱۶۲ (عدالت یکی از شرایط فقه‌های شورای نگهبان، رهبری، رئیس قوه قضائیه، قضا، رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل) • اصل ۱۰۱ (یکی از اهداف تشکیل شورای عالی استان‌ها جلوگیری از تبعیض در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استان‌ها) • اصل ۱۰۴ (تأمین قسط اسلامی؛ یکی از دلایل تشکیل شوراها در واحدهای آموزشی، اداری و خدماتی) • اصل ۱۵۶ (تحقق بخشیدن به عدالت، رفع خصومت و رسیدگی به تظلمات و احیای حقوق عامه و گسترش عدل از وظایف قوه قضائیه) • اصل ۱۷۳ (تأسیس دیوان عدالت اداری به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأموران یا آیین‌نامه‌های دولتی)
<p>۱. مسئولیت‌پذیری</p>	<ul style="list-style-type: none"> • اصل ۴۴ (تعیین بخش‌های دولتی در این اصل، ناظر بر لزوم مسئولیت‌پذیری دولت در این حوزه‌ها است) اصل ۸۴ (مسئولیت هر نماینده در برابر تمام ملت) • اصل ۸۸ (مسئولیت رئیس‌جمهور و وزرا در قبال سؤال نمایندگان مجلس شورای اسلامی) • اصل ۸۹ (مسئولیت رئیس‌جمهور، هیأت وزیران و وزرا در قبال استیضاح نمایندگان مجلس شورای اسلامی) • اصل ۱۱۱ (مسئولیت رهبری در برابر مجلس خبرگان) • اصل ۱۲۲ (مسئولیت رئیس‌جمهور در برابر ملت، رهبر و مجلس شورای اسلامی) • اصل ۱۳۴ (مسئولیت رئیس‌جمهور در برابر مجلس در قبال اقدامات هیأت وزیران) • اصل ۱۳۷ (مسئولیت وزرا در برابر رئیس‌جمهور و مجلس شورای اسلامی) • اصل ۱۴۰ (مسئولیت کیفری رئیس‌جمهور، معاونان و وزرا) • اصل ۱۶۴ (مفهوم مخالف این اصل ناظر بر مسئولیت کیفری و اداری در صورت ثبوت جرم است) • اصل ۱۷۱ (مسئولیت حقوقی قضا در قبال حکم ناشی از تقصیر)

<ul style="list-style-type: none"> • اصل ۲۲ (یکی از محدودیت‌های شفافیت تعرض غیرقانونی به حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص) • اصل ۶۹ (علنی بودن مذاکرات مجلس شورای اسلامی) • اصل ۷۶ (حق تحقیق و تفحص مجلس) • اصل ۸۰ (شفافیت گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی به‌واسطه الزام به تصویب در مجلس) • اصل ۸۶ (آزادی یا مصونیت نمایندگان در اظهارنظر و رأی خود) • اصل ۱۶۵ (علنی بودن محاکمات قضایی) • اصل ۱۷۵ (آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور در سازمان صداوسیما) 	۷ شفافیت	
<ul style="list-style-type: none"> • اصل ۱۱۱ (پاسخگویی در برابر مجلس خبرگان) 	مقام رهبری	
<ul style="list-style-type: none"> • اصل ۵۷ و بند ۱ و ۲ اصل ۱۱۰ (پاسخگویی رهبری در پیروی از سیاست‌های کلی نظام) • اصل ۹۰ (پاسخگویی در برابر شهروندان) 	قوة مقننه	
<ul style="list-style-type: none"> • اصل ۵۵ (پاسخگویی اجرای دقیق قانون بودجه به دیوان محاسبات) • اصل ۵۷ و بند ۱ و ۲ اصل ۱۱۰ (پاسخگویی در برابر رهبری در پیروی از سیاست‌های کلی نظام) • اصل ۷۶ (پاسخگویی به تحقیق و تفحص مجلس) • اصل ۸۸ (پاسخگویی رئیس‌جمهور یا وزرا در برابر مجلس شورای اسلامی برای اجرای قانون) • اصل ۸۹ (پاسخگویی رئیس‌جمهور یا وزرا در برابر استیضاح نمایندگان) • اصل ۹۰ (پاسخگویی به شکایات مردمی از عملکرد قوة مجریه) • اصل ۱۲۲ (پاسخگویی رئیس‌جمهور در برابر مردم) • اصول ۱۲۲ و ۵۷ (پاسخگویی رئیس‌جمهور در برابر رهبری) • اصول ۱۲۲ و ۸۹ (پاسخگویی رئیس‌جمهور در برابر مجلس شورای اسلامی) • اصل ۱۴۲ (بررسی داریی رئیس‌جمهور، وزیران و معاونان رئیس‌جمهور توسط رئیس قوة قضائیه) • اصل ۱۷۳ (پاسخگویی در برابر قوة قضائیه و شکایات مردم از طریق دیوان عدالت اداری و دادگاه‌های عمومی) • اصل ۱۷۴ (پاسخگویی برای اجرای دقیق قوانین در برابر سازمان بازرسی کل کشور) 	قوة مجریه	۸ پاسخگویی

<ul style="list-style-type: none"> اصل ۵۷ (پاسخگویی در برابر مقام رهبری) اصل ۵۸ (پاسخگویی در برابر قوه مقننه بابت اجرا یا عدم اجرای قوانین) اصل ۹۰ (پاسخگویی در برابر مجلس بابت شکایات مردمی از طرز کار قوه قضائیه) 	قوه قضائیه	
<ul style="list-style-type: none"> اصل ۹۱ (پاسخگویی فقهای شورای نگهبان به رهبری) بند ۴ اصل ۱۱۰ (پاسخگویی نیروهای مسلح به رهبری) اصل ۱۷۵ (پاسخگویی صداوسیما به رهبری به صورت دلالت ضمنی از متن ماده ۱۷۵) 	سایر نهادهای عمومی	

جدول ۵. دلالت‌های حکمرانی خوب سهم‌یاری تضمین حقوق ملت

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران			
تضمین حقوق ملت			
<ul style="list-style-type: none"> اصول ۱۹ و ۲۰ (حقوق مساوی همه مردم ایران فارغ از قومیت، رنگ، نژاد و زبان و حمایت یکسان قانون از آنها) اصل ۲۳ (منع تفتیش عقاید) اصل ۲۶ (آزادی فعالیت احزاب با شرط وحدت ملی) اصل ۴۱ (منع سلب تابعیت) اصل ۵۶ (حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش) 	۱) اجماع محوری		
<ul style="list-style-type: none"> اصل ۲۴ (آزادی مطبوعات) اصل ۲۶ (آزادی احزاب) اصل ۲۷ (آزادی تجمعات) 	۲) مشارکت‌جویی		
<ul style="list-style-type: none"> اصل ۲۲ (مصونیت حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص، مگر به حکم قانون) اصل ۳۷ (اصل برائت و اصل قانونی بودن جرائم و مجازات) 	۳) حاکمیت قانون		
<ul style="list-style-type: none"> اصل ۳۵ (در دسترس بودن دادگاه‌ها برای دادخواهی) 	۴) کارایی و اثربخشی	حکمرانی خوب	

<p>۵. عدالت خوئی</p>	<ul style="list-style-type: none"> • اصل ۱۹ (تساوی حقوق مردم) • اصل ۲۰ (حمایت قانون از همه مردم به طور یکسان) • اصل ۲۸ (وظیفه دولت برای تهیه امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل همه افراد) • اصول ۲۹، ۳۰ و ۳۱ (برخورداری از تأمین اجتماعی، آموزش و پرورش رایگان و داشتن مسکن متناسب با نیاز حقی است همگانی که باید به صورت عادلانه برای یک یک افراد کشور تأمین شود). • اصول ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸ و ۳۹ (اصول دادخواهی: حق دادخواهی، داشتن وکیل، صدور حکم از دادگاه صالح، اصل برائت، منع شکنجه و منع هتک حرمت متهم یا محکوم)
<p>۶. مسئولیت پذیری</p>	<ul style="list-style-type: none"> • اصل ۳۳ (تکالیف ضابطی که متهم را دستگیر کرده)
<p>۷. شفافیت</p>	<ul style="list-style-type: none"> • اصل ۲۴ (آزادی مطبوعات)
<p>۸. پاسخگویی</p>	<ul style="list-style-type: none"> • دلالتی یافت نشد.

اکنون با توجه به دلالت‌هایی که در قانون اساسی برای هریک از شاخص‌های حکمرانی خوب یافت شد، می‌توان دلالت‌های اصلی قانون اساسی در قالب حکمرانی خوب را احصا کرد.

جدول ۶. دلالت‌های قانون اساسی بر شاخص‌های حکمرانی خوب

<p>دلالت‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران</p>	
<p>۱. اجماع محوری</p>	<p>۱. همبستگی ارزشی: اساس اجماع محوری در قانون اساسی ایران، بر مبنای ارزش‌های اخلاقی-دینی و ملی پایه‌گذاری شده است. ارزش‌های دینی مذکور در قانون اساسی علاوه بر اجماع محوری در سطح ملی، به اجماع محوری در سطح بین‌المللی میان مسلمانان، برای تحقق امت واحد نیز توجه دارد.</p> <p>۱.۱. ارزش‌های اخلاقی-دینی: اصول دین، کرامت انسانی، آزادی همراه با مسئولیت، عدالت و ظلم‌ستیزی</p> <p>۱.۲. ارزش‌های ملی: استقلال، تمامیت ارضی، نمادهای ملی نظیر زبان، خط، تاریخ و پرچم</p>

<p>۲. به رسمیت شناختن سلايق مختلف: به رسمیت شناختن سلايق مختلف در زمینه‌های مختلف مذهبی، قومی، سیاسی، فرهنگی و ... منجر به کاهش درگیری‌ها می‌شود و امکان اجماع بر ارزش‌های اساسی را فراهم می‌آورد.</p> <p>۳. پرهیز از ایجاد شکاف اجتماعی: برخی از احکام قانون اساسی هرچند ممکن است توجیه دیگری نظیر دلالت‌های حقوق بشری نیز داشته باشد، اما در عمل به عدم توسعه شکاف‌های اجتماعی منجر می‌شود؛ مانند منع تفتیش عقاید، منع سلب تابعیت اتباع ایرانی و ...</p> <p>۴. عدم تبعیض و برخورداری یکسان از حقوق: عدم تبعیض مقدمه امکان‌پذیری اجماع محوری است.</p> <p>۵. پذیرش حق بر تعیین سرنوشت: جریان داشتن اراده مردم در اعمال حاکمیت و تعیین سرنوشت نیز مقدمه اجماع محوری است.</p>	
<p>۱. الزامات و مقدمات مشارکت: مشارکت مردم در حکمرانی نیازمند الزامات و مقدمات مختلفی است که در قانون اساسی درج شده است، از جمله:</p> <p>الف) هدف نظام اسلامی رشد مردم است که این امر در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع است.</p> <p>۱.۱. به رسمیت شناختن حاکمیت مردم بر سرنوشت اجتماعی خویش و حق بر تعیین سرنوشت.</p> <p>۱.۲. آزادی‌های لازم برای تحقق مشارکت ايجابية و سلبی مانند آزادی بیان، احزاب، مطبوعات، تجمعات و ...</p> <p>۱.۳. مشارکت مردمی در امور مختلف حکمرانی مورد توجه است از جمله: تصمیم‌گیری، اجرا، امر به معروف و نهی از منکر، امور نظامی و ...</p> <p>۲. مشارکت مستقیم عامه مردم: مشارکت در حکمرانی به‌واسطه انتصاب نماینده در سمت‌های مختلف از طریق شرکت در انتخابات، همه‌پرسی و امر به معروف و نهی از منکر.</p> <p>۳. مشارکت غیرمستقیم عامه مردم: اعمال حکمرانی از طریق نمایندگان در مجالس و شوراهای مختلف از خبرگان رهبری تا شورای شهر و روستا، اعمال قوه مجریه توسط ریاست جمهور که توسط رأی مردم انتخاب می‌شود.</p> <p>۴. مشارکت نخبگان: در کنار مشارکت عامه مردم، مشارکت نخبگان در حکمرانی نیز اهمیت دارد و با حمایت‌های ویژه حاکمیت از این قشر مورد توجه قرار گرفته است.</p>	۲. مشارکت‌جویی
<p>۱. انطباق با شرع: یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قانون در جمهوری اسلامی ایران لزوم انطباق قانون با شرع است.</p> <p>۲. اعمال حکمرانی در چهارچوب قانون و نفی استبداد: اعمال حکمرانی باید در چهارچوب صلاحیت‌ها و اختیارات قانونی و همچنین با رعایت حقوق شهروندی باشد.</p> <p>۳. ضمانت حاکمیت قانون: قوه قضائیه مستقل می‌تواند ضامن اجرای حاکمیت قانون در کشور باشد.</p> <p>۴. حکمرانی عادلانه: اجرای قانون باید عادلانه و بی‌طرفانه باشد. سایر ارزش‌های حاکمیت قانون در سایر شاخص‌ها منعکس شده است.</p>	۳. حاکمیت قانون

۴. کارایی و اثربخشی	<p>۱. کارآمدی ساختارهای حکمرانی: از طریق:</p> <p>۱,۱ حذف تشکیلات غیر ضرور و نفی نظام بوروکراسی زائیده حکومت‌های طاغوتی با هدف کارایی بیشتر نظام اجرایی و ایجاد نظام اداری صحیح.</p> <p>۱,۲ توجه به شایستگی لازم در سمت‌های مختلف حکومتی.</p> <p>۱,۳ توجه ویژه به کارایی در شرایط بحرانی و در نظر گرفتن صلاحیت‌های ویژه برای شرایط اضطراری</p> <p>۲. استفاده بهینه از منابع: برای کارایی بیشتر از طریق:</p> <p>۲,۱ خودکفایی در امور مختلف</p> <p>۲,۲ منع اسراف و تبذیر</p> <p>۲,۳ حفاظت از محیط‌زیست به‌عنوان شرط کارایی مستمر و بلندمدت</p> <p>۳. نظارت جهت ارتقای کارآمدی: ایجاد صلاحیت‌های نظارتی مختلف که در قانون اساسی تعبیه شده است با غایت کارایی و اثربخشی بیشتر است.</p>
۵. عدالت‌جویی	<p>۱. در لایه جهان‌بینی: اعتقاد به عدل الهی در خلقت و تشریح یکی از اصول اعتقادی نظام جمهوری اسلامی ایران است؛ بنابراین عدالت به‌عنوان یکی از ارزش‌های اساسی اسلامی بی‌رنگ بسیاری از اصول قانون اساسی را تشکیل می‌دهد و در اقسام مختلف در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است.</p> <p>۲. در لایه نظام‌های اجتماعی: نظام‌های اجتماعی مختلف در نظام جمهوری اسلامی ایران باید به دنبال تجلی عدالت باشند.</p> <p>۲,۱ عدالت اقتصادی-رفاهی: اصول مختلفی از قانون اساسی سعی در طراحی نظام اقتصادی-رفاهی عادلانه دارد، از جمله توجه به عدالت مالیاتی، تهیه امکان اشتغال غیر تبعیض‌آمیز، مسکن مناسب، آموزش و پرورش رایگان برای همه، تأمین اجتماعی برای همه و ...</p> <p>۲,۲ عدالت حقوقی-قضایی: قوه قضائیه مسئول اجرای عدالت در جامعه است و همه در برابر قانون مساوی هستند. اصول مختلفی در قانون اساسی برای طراحی نظام قضایی عادلانه تعبیه شده است که حقوق مختلف شهروندی از جمله، حق بر دادخواهی عادلانه، داشتن وکیل، اصل برائت، منع شکنجه و هتک حرمت و ... را مورد توجه قرار داده است.</p> <p>۲,۳ عدالت سیاسی: همانند سایر اصول، در نظام سیاسی نیز قانون اساسی تلاش کرده است نظامی عادلانه محقق شود، از جمله توجه به عدالت کارگزاران، منع تصویب قوانین عادلانه، ترکیب نهادهای سیاسی مانند مجلس شورای اسلامی به شکلی است که متضمن تبعیض علیه قشر خاصی نباشد.</p> <p>۲,۴ عدالت فرهنگی-اجتماعی: تحقق عدالت در عرصه‌های فرهنگی اجتماعی نیز مورد توجه قانون اساسی بوده است، از جمله توجه به حقوق زنان، توجه به حقوق اقلیت‌های دینی، نژادی، زبانی و ...</p> <p>۳. در لایه فردی حکمرانان: عدالت به‌عنوان یکی از ویژگی‌های ثابت برای کارگزاران جمهوری</p>

اسلامی ایران در لایه‌های سیاسی مختلف مورد توجه قرار گرفته است.	۱- مسئولیت‌پذیری
<p>۱. مسئولیت‌پذیری مردم در برابر حکومت: مردم به‌عنوان پشتوانه اصلی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و از طریق اعمال حق بر تعیین سرنوشت، مسئولیت مهمی در حکمرانی بر عهده دارد. یکی از دلالت‌های مهم مسئولیت‌پذیری مردم در قانون اساسی، لزوم پایبندی به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر کارگزاران توسط مردم است.</p> <p>۲. مسئولیت‌پذیری حاکمان و نهادهای حاکمیتی در برابر یکدیگر و در برابر مردم: طراحی نظام سیاسی به‌واسطه اختیارات نظارتی مختلف در قانون اساسی به شکلی است که نهادهای مختلف حاکمیتی در برابر یکدیگر مسئولیت‌پذیر خواهند شد و علاوه بر این، در برابر مردم نیز به‌واسطه انتخاب کارگزاران توسط مردم، مسئولیت‌پذیر خواهند بود.</p>	
<p>۱. مقدمات شفافیت نظام حکمرانی: شفافیت مقدماتی دارد که در صورت عدم تحقق، شفافیت محقق نمی‌شود، این مقدمات دلالت‌های مختلفی در قانون اساسی دارد.</p> <p>۱.۱. دسترسی آزاد به اطلاعات: آزادی مطبوعات و آزادی بیان و نشر افکار در صداوسیما، آزادی بیان و رفع موانع آن.</p> <p>۱.۲. حدود شفافیت: شفافیت نباید به تعرض غیرقانونی به حقوق اشخاص منجر شود.</p> <p>۲. شفافیت مقدمه تحقق حکمرانی خوب: وجود شفافیت لازمه تحقق اهداف مختلفی در نظام حکمرانی است، از جمله تحقق هدف نظام اسلامی که همان رشد افراد و جامعه است یا امکان اعمال حق بر تعیین سرنوشت همگی در گرو شفافیت نظام حکمرانی است. از طرفی شفافیت مقدمه تحقق شاخص‌های دیگر حکمرانی خوب از جمله مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و امکان نظارت در نهادهای مختلف حاکمیتی است. قانون اساسی به‌طور خاص برای مجلس شورای اسلامی و دادگاه‌ها حکم بر علنی بودن کرده است.</p> <p>۳. شفافیت نظام اقتصادی: قانون اساسی تأکید بیشتری بر شفافیت نظام اقتصادی در کشور دارد.</p>	۲- شفافیت
<p>۱. پاسخگویی نهادهای حکومتی به یکدیگر: یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های هر قانون اساسی تنظیم قدرت سیاسی در حکومت است، به شکلی که قدرت در یک نقطه متمرکز نشود؛ بنابراین با تفکیک قوا و تعبیه صلاحیت‌ها و اختیارات نظارتی متقابل در نهادهای مختلف حاکمیتی امکان ایجاد تعادل در حکومت ایجاد می‌شود. اصول مختلفی از قانون اساسی به این امر اختصاص یافته است؛ مانند استیضاح وزیران در مجلس، پاسخگویی رهبری در برابر مجلس خبرگان رهبری، پاسخگویی مجلس شورای اسلامی در برابر شورای نگهبان و سایر موارد متعددی که در این خصوص دلالت دارد.</p> <p>۲. پاسخگویی نهادهای حکومتی به مردم: نهادهای حکومتی مختلف نیز در برابر مردم پاسخگو هستند، چراکه قدرت حاکمیتی که در اختیار دارند به اذن الهی و از طرف مردم به آنها واگذار شده است. انتخابات از مهم‌ترین سازوکارهای پاسخگویی کارگزاران است.</p> <p>۳. پاسخگویی بخش خصوصی و مردمی در برابر قانون: در نهایت بخش خصوصی و مردمی نیز در برابر مسئولیت‌های خویش که در قانون تعیین شده است، پاسخگو هستند.</p>	۳- پاسخگویی

۵. نتیجه

حکمرانی خوب نسخه ثابتی برای تمام کشورها نیست، زیرا اساساً امکان یکسان سازی روند حکمرانی در کشورهای مختلف، به دلیل وجود اقتضائات فرهنگی-تاریخی مختلف وجود ندارد. البته به واسطه کلی بودن، چارچوب محور بودن و امکان تفسیرپذیری بالایی که شاخص‌های حکمرانی خوب دارد، واجد امکان انطباق با نظام‌های حکمرانی در کشورهای مختلف است و اصول بنیادین حکمرانی خوب، جهانی شده است. البته اجرای آن از کشوری تا کشور دیگر متفاوت است. همه کشورها باید این حق را داشته باشند تا گونه‌های ملی متعلق به خود را در زمینه حکمرانی خوب مشخص و تعیین کنند. به گونه‌ای که تجربه تاریخی آنها را مدنظر قرار دهد و بر مبنای نظام‌ها، فرهنگ‌ها و ارزش‌های بومی ساخته شود و منعکس کننده واقعیت‌های روزمره باشد.

در قانون اساسی، مؤلفه‌های حکمرانی خوب اگرچه به لحاظ شکلی و تا حدی محتوایی، با شاخص‌های کنونی حکمرانی خوب مانند حاکمیت قانون، عدالت‌جویی و پاسخگویی، اشتراک دارند، اما به دلیل تفاوت‌های هستی‌شناسانه و ماهوی جهان‌بینی اسلامی و جهان‌بینی غربی، تأیید شاخص‌های کنونی حکمرانی خوب، کاملاً مشروط و در ذیل حاکمیت الهی و اسلام قرار می‌گیرد؛ بنابراین مردم‌سالاری دینی می‌تواند برآیندی از حکمرانی خوب ترسیم‌شده در قانون اساسی باشد. در حکمرانی خوب مدنظر قانون اساسی، توسعه و رفاه اقتصادی و افزایش کیفیت زندگی نادیده گرفته نشده است، اما با تأکید بر مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بعد معنوی زندگی افراد در زندگی فردی و اجتماعی نیز مدنظر است که در نظریات مرسوم حکمرانی خوب مورد غفلت واقع شده است.

هرچند الگوی هشتگانه حکمرانی خوب با توجه به دلالت‌های استحصال‌شده، مغایرتی با قانون اساسی ندارد، اما الگوی مطلوب در نظر قانون اساسی نیز نیست. به‌طور مثال در الگوی مطلوب حکمرانی در نظر قانون اساسی، حتماً شاخص انطباق با شرع در رأس و رتبه بالاتری از سایر شاخص‌ها و اصول حکمرانی خواهد بود؛ بنابراین در پژوهش‌های آتی می‌توان با استفاده از روش تحقیق دلالت‌پژوهی برایشی^۱ دلالت‌های ناظر بر الگوی مطلوب حکمرانی را از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، استخراج و در نهایت مدلی به‌همراه شاخص‌های مطلوب قانون اساسی ارائه کرد.

۱. دلالت‌پژوهی برایشی، یکی از روش‌های دلالت‌پژوهی در علوم انسانی است که در آن پژوهشگر می‌تواند بدون وجود چارچوبی در مقصد، با تسلط بر مبدأ و مأخذ، دلالت‌های خود را از مأخذ اخذ کند. خروجی این روش مجموعه‌ای از گزاره‌های دلالتی است که لزوماً مبنی بر چارچوب از پیش تعیین‌شده‌ای نیست، بلکه ممکن است، پس از مشخص شدن دلالت‌ها، چارچوب نوینی شکل بگیرد.

منابع

۱. فارسی

الف) کتابها

۱. خسروشاهی، قدرت‌الله؛ دانش‌پژوه، مصطفی (۱۳۹۰). *فلسفه حقوق*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۰). *حقوق اساسی*. تهران: میزان.
۳. قاضی، سیدابوالفضل (۱۳۹۳). *بایسته‌های حقوق اساسی*. ج ۵۰، تهران: میزان.
۴. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۸). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. ج ۱، تهران: میزان.

ب) مقالات

۵. اسلامی، رضا؛ علیخانی، صادق؛ نیاورانی، صابر (۱۳۹۸). ظرفیت‌های قانون اساسی ایران در افزایش مشارکت شهروندان در پرتو راهبردهای حکمرانی خوب. *فصلنامه تحقیقات حقوقی و کیفری*، (۴۰)، ۱۱ - ۳۱.
۶. الوانی، سیدمهدی؛ عزیززاده ثانی، محسن (۱۳۸۶). *تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران*. *مطالعات مدیریت*، (۵۳).
۷. امامی، محمد؛ شاکری، حمید (۱۳۹۴). حکمرانی خوب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، *پژوهشنامه حقوق تطبیقی*، (۲)۱، ۲۵ - ۵۷.
۸. حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر امنیت سرمایه‌گذاران در ایران، *جستارهای اقتصادی*، (۲)۱، ۱۰۹ - ۱۵۶.
۹. حسینی تاش، سیدعلی؛ واثق، قادرعلی (۱۳۹۳). حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته؛ بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام. *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، (۲)۳، ۷ - ۲۸.
۱۰. حیدری، فریبا (۱۳۹۵). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در چشم‌انداز حکمرانی خوب. *تشریح مطالعاتی صیانت از حقوق زنان*، (۵)، ۱۴۵ - ۱۶۲.
۱۱. دانایی‌فرد، حسن (۱۳۹۵). روش‌شناسی مطالعات دلالت‌پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیان‌ها، تعاریف، اهمیت، رویکردها و مراحل اجرا. *فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی*، (۸۶)۲۲، ۳۹ - ۷۱.
۱۲. زهیری، علیرضا (۱۳۹۳). نسبت‌سنجی بوم‌شناسانه الگوی حکمرانی خوب. *فصلنامه علوم سیاسی*، (۶۶)۱۷، ۸۷ - ۱۱۲.
۱۳. ساعی، احمد؛ نوربخش، بهمن؛ میرترابی، سعید (۱۳۹۸). جایگاه حکمرانی خوب در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران و اندیشه خمینی (ره). *رهیافت انقلاب اسلامی*، (۴۸)۱۳، ۱۱۱ - ۱۳۰.
۱۴. شریف‌زاده، فتاح؛ قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۲). حکمرانی خوب و نقش دولت. *فرهنگ مدیریت*، (۴)، ۴۸ - ۵۶.
۱۵. صباغ کرمانی، محمد؛ باسحا، مهدی (۱۳۸۸). نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه‌های دولت: مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی. *فصلنامه تحقیقات اقتصادی*، (۸۶).

۱۶. صدرایی، سیدصام (۱۳۹۶). درآمدی بر مبانی نظری حکمرانی خوب. *ماهنامه پژوهش ملل*، ۲(۱۹)، ۲۳ - ۳۷.
۱۷. صوفی مجیدپور، مسعود (۱۳۸۳). نظریه حکمرانی خوب به‌منزله سیاست توسعه. *نشریه کتاب ماه علوم اجتماعی*، ۸۷(۱)، ۱۴ - ۱۱.
۱۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). اصول منطقی حاکم بر تفسیر قانون اساسی. *نشریه حقوق اساسی*، ۳(۳)، ۳۰۲ - ۳۰۸.
۱۹. نیکونهاد، حامد (۱۳۹۲). جایگاه و صلاحیت قوه مجریه در نظام حقوق اساسی ایران در پرتو اندیشه قانونگذار اساسی، مجموعه مقالات *اولین همایش ملی قوه مجریه در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری، ۱۹۶ - ۲۱۹.
۲۰. هداوند، مهدی (۱۳۸۴). حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر. *نشریه قانون اساسی*، ۳(۴).
۲۱. یزدانی زازرانی، محمدرضا (۱۳۹۱). بررسی رابطه مفهومی و تأثیر حکمرانی بر سیاستگذاری عمومی. *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱(۴)، ۱۰۹ - ۱۴۲.
۲۲. مفتاح، محمدهادی؛ قاسمی، غلامعلی؛ کردنژاد، نسربین (۱۳۹۴). امکان‌سنجی اجرای نظریه حکمرانی خوب در جوامع اسلامی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۲(۲)، ۱۵۱ - ۱۷۵.
۲۳. می‌دری، احمد؛ خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳). حکمرانی خوب بنیان توسعه. *دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی*.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Cartney. P & Others (1995). *Toward and Understanding of Governance_ the emergency of an idea and its implications for research in developing countries*. University of Toronto.
2. Kennett, p. (2008). *Governance, Globalization and Public Policy*. UK, Edward elgar press.
3. Pierre, J. & B. Guy Peters (2000). *Governance, Politics and State*. MacMillan Press LTD, London.
4. UNDP (1997). *Governance for sustainable human development*. UN Policy Document, New York.

B) Articles

5. Kjær, A. M. (2005). Central Government intervention as obstacle to Local Participatory governance: the case of Uganda. presented at IILS- workshop on Participatory Governance, ILO, Geneva, 9-10 December 2005. (availavbe at: <http://www.fau.dk/Paper%20VI%20-%20Mette%20Kjær.doc>)
6. Kaufman, D., Aart, K., & Massimo, M. (2009). Governance matters VIII: Governance indicators for 1996-2008. *The Policy Research, Working Paper*, No. 9978. World Bank.
7. Sheng, Y. K. (2009, July 10). What is Good Governance?. Retrieved from United Nations Economic and Social Commission for Asia: <https://www.unescap.org/sites/default/d8files/knowledge-products/good-governance.pdf>
8. UN (1996). *Governance, Participation and Partnerships*. background papers prepared by

the United Nations Department of Public Information for *the United Nations Conference on Human Settlements*, 3-14 June 1996, Istanbul. (Available at: <http://www.un.org/cyberschoolbus/habitat/background/bg5.asp>)

9. Zuhairi, A. (2014). Ecological proportionality model of good governance. *Political Science Quarterly*, 17(66), 87-112.